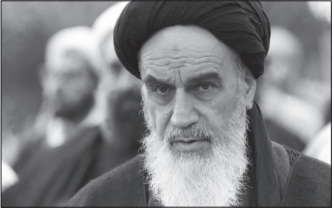


<b>حکومت‌ها</b>		<span>نشریه خبری-تبیینی نماز های جمعه، مساجد و هیئت‌های مذهبی</span>   <span>سال چهارم، شماره ۱۵۱</span>   <span>هفته چهارم شهر یور ۹۷</span>   <span>چاپ و توزیع به همت نیروهای مومن و انقلابی</span> <b>KHAMENEI.IR</b>
نشریه جامعه مؤمن و انقلابی	صاحب‌امتیاز:مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب‌اسلامی (دقت حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌ا...العظمی خامنه‌ای)	ارتباط‌ها: <span>ایم‌پست: پیامک:</span> <span>۱۰۰۰۱۰۲۸</span> <span>آی‌گپ: iGap.net/khattezbollah</span> <span>گپ: Gap.im/KhatteHezbollah</span> <span>ای‌ا: رایانامه: Khat@khamenei.ir</span> <span>بله: ble.im/khattezbollah</span> <span>سروش: Sapp.ir/KhatteHezbollah</span> <span>خط حزب‌ا...</span>



هیئت   تراز

**کانون هیأت را برای دل‌های مردم باید نگه‌دارید**

وقتی کسی وارد هیئت امام حسین می‌شود هیچ‌کس به او نمی‌گوید فلان‌جا بنشین، فلان‌جا ننشین؛ فلان‌جور بنشین، فلان‌جور ننشین؛ کی‌بیا، کی‌برو؛ کاملاً همه‌ی تحرّکات، برخاسته‌ی از اراده‌ی مردم و خواست خود مردم است که آن‌هم ناشی از ایمان آنها است؛ این‌چیز خیلی خوبی است، این را باید نگه‌دارید؛ یعنی ارتباط هیئت را به ایمان مردم و عشق مردم، و جاذبه و گیرایی خود هیئت و خود این کانون را برای دل‌های مردم باید نگه‌دارید، این را باید حفظ کنید، یعنی جوری نشود که حالت اداری و مانند اینها پیدا بکنند. ● ۹۲/۸/۲۰

خانواده   ایرانی

**چنین زنی، الگوبرای همه مردان است**

آنچه که از بیانات زینب کبری باقی مانده است و امروز در دسترس ماست، عظمت حرکت زینب کبری را نشان می‌دهد… با این بیان قوی، با این کلمات رسا، آن‌هم در آن شرایط دشوار، اینگونه صحبت می‌کرد. اینجور نبود که یک عده مستمع جلوی حضرت زینب نشسته باشند، گوش فراداده باشند، او هم مثل یک خطیبی برای اینها خطبه بخواند؛ نه، یک عده دشمن، نیزه‌داران دشمن دور و برشان را گرفته‌اند؛ یک عده هم مردم مختلف‌الحال حضور داشتند؛ حضرت زینب کبری با این عده‌ی ناهمگون و غیرقابل اعتماد مواجه است، اما اینجور محکم حرف می‌زند. او زن تاریخ است؛ این زن، دیگر ضعیفه نیست. نمی‌شود زن را ضعیفه دانست، این جوهر زنانه‌ی مؤمن، اینجور خودش را در شرایط دشوار نشان می‌دهد. این زن است که الگوست؛ الگو برای همه‌ی مردان بزرگ عالم و زنان بزرگ عالم. ● ۸۹/۲/۱۰

باید مسائل روز را، مسائل سیاسی را، مسائل اجتماعی را و تکلیف مردم آرا در یک هم‌چو زمانی که گرفتار این همه دشمن ما هستیم، معین‌کنند؛ به مردم و به کشور بفهمانند که ما در بین راه هستیم و باید تا آخر راه

باید مسائل روز را، مسائل سیاسی را، مسائل اجتماعی را و تکلیف مردم آرا در یک هم‌چو زمانی که گرفتار این همه دشمن ما هستیم، معین‌کنند؛ به مردم و به کشور بفهمانند که ما در بین راه هستیم و باید تا آخر راه



**مسأله‌ی شهید و ایثارگری موتور حرکت جامعه است**
مسأله‌ی شهید و ایثار گری، کهنه‌شدنی نیست؛ این، موتور حرکت جامعه است؛ بعضی‌ها از این نکته غفلت می‌کنند. اینکه می‌بینید بعضی با سخن، قلم و حرکات خود، نگاهی به ایثار و شهادت می‌اندازند که آن نگاه منفی و ناسپاسانه است، بر اثر غفلت آنهاست؛ نمی‌فهمند پاسداری از حرمت شهیدان و ایثار گران چقدر برای یک جامعه و ملت و کشور دارای اهمیت است. شما ببینید خون مطهر حسین‌بن علی (علیه‌السلام) در کربلا در غربت بر زمین ریخته شد؛ اما بزرگ‌ترین مسؤولیتی که بر عهده‌ی امام سجاد(علیه‌السلام) و زینب کبری(علیه‌السلام) قرار گرفت، از همان لحظه‌ی اول این بود که این پیام را روی دست بگیرند و به سرتاسر دنیای اسلام آن راه به شکل‌های گوناگون، منتقل کنند. ● ۸۲/۴/۱۶

حزب الله این است

**باید برای ساخت چنین جامعه‌ای جهاد کنید**
آن راوی‌ای که حوادث روز عاشورا را نقل کرده و در کتاب‌ها دهن به دهن منتقل شده است، می‌گوید: «فوالله ما رأیت مکثورا». مکثور یعنی کسی که امواج غم و اندوه بر سرش بریزد؛ بچه‌اش بمیرد، دوستانش نابود شوند، ثروتش از بین برود و همه‌ی امواج بلا به طرفش بیاید. راوی می‌گوید من هیچ‌کس را در موج بلا مثل حسین بن علی محکم‌دل‌تر و استوارتر ندیدم؛ «ربط جاشا». در میدان‌های گوناگون جنگ‌ها، در میدان‌های اجتماعی، در میدان سیاست، انسان به آدم‌های گوناگونی برخورد می‌کند؛ کسانی که دچار غم‌های گوناگونند. راوی می‌گوید هرگز ندیدم کسی در چنین هنگامه‌ای با این همه مصیبت، مثل حسین بن علی، چهره‌ای شاد، مصمّم، حاکی از عزم و اراده و متوکل به خدا داشته باشد. این همان عزّت الهی است. این جریان را امام حسین در تاریخ گذاشت و بشر فهمید که باید برای چنان حکومت و جامعه‌ای مبارزه کند؛ جامعه‌ای که در آن پستی و جهالت و اسارت‌انسان و تبعیض نباشد. همه باید برای چنان اجتماعی جهاد کنند که به وجود بیاید و می‌آید و ممکن است. ● ۷۹/۱/۲۶

<b>حکومت‌ها</b>		<span>نشریه خبری-تبیینی نماز های جمعه، مساجد و هیئت‌های مذهبی</span>   <span>سال چهارم، شماره ۱۵۱</span>   <span>هفته چهارم شهر یور ۹۷</span>   <span>چاپ و توزیع به همت نیروهای مومن و انقلابی</span> <b>KHAMENEI.IR</b>
نشریه جامعه مؤمن و انقلابی	صاحب‌امتیاز:مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب‌اسلامی (دقت حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌ا...العظمی خامنه‌ای)	ارتباط‌ها: <span>ایم‌پست: پیامک:</span> <span>۱۰۰۰۱۰۲۸</span> <span>آی‌گپ: iGap.net/khattezbollah</span> <span>گپ: Gap.im/KhatteHezbollah</span> <span>ای‌ا: رایانامه: Khat@khamenei.ir</span> <span>بله: ble.im/khattezbollah</span> <span>سروش: Sapp.ir/KhatteHezbollah</span> <span>خط حزب‌ا...</span>

ان‌شاءالله، برویم. ما با این ترتیبی که تاکنون بوده است و کشور ما و افراد کشور ما بحمدالله، حاضر بودند، با این ترتیب اگر پیش برویم، آخر کارمان به پیروزی مطلق می‌رسد. لکن نباید سست بشویم. ● ۲۵مهر ۱۳۶۱

شرح   حدیث

**مسأله اصلی امام حسین (علیه‌السلام) چه بود؟**

نه مسئله، مسئله‌ی این بود که {سیدالشهداء} فقط دنبال حکومت می‌رفت که تا می‌فهمید شهادت است، سر را برگرداند؛ و نه مسئله این بود که حسین در آن روز کار و در آن وضعیت، شهادت را منحصراً در مان این درد تشخیص داده باشد و بخواهد شهید شود؛ نه، امام حسین می‌خواست به یک‌و‌اجب عمل بکند؛ می‌خواست پای حرف، امضای عمل را بگذارد. اگر حکومت گیرش می‌آمد، پس نمی‌زد؛ اگر شهادت هم پیش می‌آمد با آغوش باز استقبال می‌کرد. از مکه هم که می‌خواست خارج شود، خودش همین را فرمود: «مَنْ كَانَ بَادِلًا فِينَا مُهْجَتَهُ، وَ مَوْطِنًا عَلَيَّ لِقَاءَ اللَّهِ نَفْسَهُ»(۱)؛ هر کس که حاضر است خون خود را در راه ما بریزد و برای دیدار خدا توطنین نفس کرده، بیاید. «توطنین نفس کرده» یعنی چه؟ یعنی آماده شده. یعنی در این راه، در این کار، این احتمال هم وجود دارد. مسئله‌ی دیدار خدا و لقاءالله هم یک طرف قضیه است. اگر آماده‌اید، بیایید. گفت حتماً شهیدمی‌شوید؛ گفت در این راه، این مسئله هم وجود دارد؛ اگر آماده‌ی شهادتید، بیایید. البته اگر حکومت هم گیرش می‌آمد، با آغوش باز از آن استقبال می‌کرد. پس برای حسین بن علی (علیه‌السلام) انجام یک‌و‌اجب و یک‌وظیفه مطرح بود. ●

(منبع: کتاب دوامام مجاهد)

۱) بحار الانوار: ج ۴۴، ص ۳۶۷

نهج   البلاغه

**امام حسین مظهر بصیرت و استقامت است**

جنبه‌ی عمقی و معنوی آن اقیام حسین(علیه‌السلام)، صاحبان فکر و بصیرت را آگاه می‌کند؛ روشن می‌کند. بنده بارها در طول این سال‌ها این جمله‌ی امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) را عرض کرده‌ام که فرمود: «وَلَا يَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمَ إِلَّا أَهْلَ الْبَصْرِ وَالصَّبْرِ»(۱)؛ این پرچم – پرچم انسانیت، اسلام، توحید – را آن کسانی که دارای این دو خصوصیتند، می‌توانند بر دست بگیرند و بلند نگه دارند؛ «البصر والصبّر»؛ بصیرت و استقامت. امام حسین (علیه‌السلام) مظهر بصیرت و استقامت است. ● ۸۶/۱۰/۱۹ | ۱ | خطبه ۱۷۳

امام خمینی(علیه‌السلام) اوایلی که به جماران رفته بودند، جای مناسبی برای دیدار با مردم نداشتند. مردم صف می‌کشیدند توی خیابان و امام از بالکن خانه و یا پشت‌بام با مردم حرف می‌زدند. برای همین، ازدحام مردم در کوچه و تدارک چنین اجتماعی، علاوه بر زحمتی که برای مردم داشت، همسایه‌های امام را هم به زحمت می‌انداخت. ساخت مسجد هم که آداب و احکامی داشت، این شد که "حسینیهای جماران" برای دیدار مردم با امام، بزرگ‌تر شد.

بعدتر که آیت‌الله خامنه‌ای به رهبری انتخاب شدند، هر کاری کردند که ایشان هم به جماران بروند، قبول نکردند. آقای رفیق دوست تعریف می‌کرد که: «در کنار مصلی، یک عمارت به‌عنوان مقر رهبر ساختم، آقا از آنجا بازدید کردند، قبول نکردند. یکی از بچه‌ها به من گفت: به آقا بگو هو آنجا بهتره و چند دلیل دیگر. وقتی من به حضرت آقا گفتم، آقا فرمود: من دوازده سال است اینجا هستم و در این مدت اصلاً احساس هوای بد نکردم، من با بقیه‌ی مردم هیچ تفاوت ندارم. من هم مثل بقیه.» در عوض، مدل حسینیهای جماران را آغاز کردند. به‌خاطر همین، زمین‌های پشت محوطه‌ی ریاست‌جمهوری، شد محل سکونت و دفتر کار رهبر انقلاب. زمین‌هایی که ساکنان و همسایگانی هم داشت اما از همان اول ابلاغ شد که خانه و کاشانه کسی را به زور نخرند و هیچ یک از خانه‌های مسکونی را از کاربری خود خارج نکنند. همان‌جا حسینیهای هم برای دیدارهای مردمی رهبر انقلاب بنا کردند و اسمش راهم گذاشتند به نام‌نامی امام خمینی(علیه‌السلام).

**یک بنای ساده با آجر و گچ**

حسینیهای امام خمینی(علیه‌السلام)، ساختمان خیلی ساده‌ای دارد. یک سالن بزرگ به انضمام یک بالکن سرتاسری که سه چهار متری از کف فاصله دارد. یک نیم‌طبقه هم در مقابل بالکن و با همان ارتفاع از

# حکومت‌ها

هفته‌نامه خبری-تبیینی نماز های جمعه، مساجد و هیئت‌های مذهبی | سال چهارم، شماره ۱۵۱ | هفته چهارم شهر یور ۹۷ **KHAMENEI.IR** شهادت مظلومه سیدالشهداء و ۷۲ تن از یاران باوفایش، بر همه آزادگان عالم تسلیت باد



**هم‌زمان با برگزاری مراسم عزاداری سیدالشهداء**

**خط‌حزب‌الله برای اولین بار جزئیاتی از حسینیه امام خمینی (ره) را منتشر می‌کند**

# حسینیهای دشمن از آن سیله محکم خورد

توجه می‌شود. در طراحی و نگاره‌سازی این کتیبه‌ها، اغلب از آیات قرآن کریم، نهج‌البلاغه و یا روایات مهمی استفاده می‌شود که قبلاً هم در بیان رهبری خط و نشانی داشته‌اند. مثلاً در دیدار دانشجویی امسال، جمله‌ی معروف امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) درباره‌ی اهمیت علم نصب شده بود: «العلم سلطان من وجده صالح به و من لم یجده صیل علیه». یاد همین دیدار اخیر اقبالر مردم در مردادماه، آیه‌ی ۱۲۰ سوره‌ی آل‌عمران نوشته شده بود: «وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرَّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا». «اگر (در برابر دشمن) استقامت و پرهیز گاری پیشه کنید، نقشه‌های (خائنانه) آنان، به شما زبانی نمی‌رساند.» این شب‌ها هم که مراسم عزای سیدالشهداء در حال برگزاری است، ورودی حسینیه، جمله‌ی «سلام علی قلب زینب الصبور و لسانها الشکور» نصب شده است و روبرو هم حدیث امام صادق(علیه‌السلام): «من اراد الله به الخیر قذف فی قلبه حب الحسین علیه السلام و زیارته».

برنامه‌های حسینییه هم همگی بلااستثنا با تلاوت قرآن آغاز می‌شود و اگر مراسمات محرم یا فاطمیه باشد، قبل از اذان، احکام گفته می‌شود و بعد هم به ترتیب نماز جماعت، تلاوت قرآن، مداح پیش منبر، سخنرانی و مداحی ادامه پیدا می‌کند. جالب اینکه مجموع همه‌ی این بخش‌ها هم بیشتر از دو ساعت و نیم نمی‌شود.

**سیلی محکم به دشمن از حسینیه**

رسم این است که حسینییه‌ها در مراسم مذهبی تقویمی اعم از اعیاد و شهادت‌ها برنامه دارند. حسینیهای امام خمینی (علیه‌السلام) هم از این قاعده مستثنی نیست و در ایام محرم و فاطمیه، برنامه‌ی ثابت دارد. اما حسینیهای امام، چیزی فراتر از اینهاست و کار کردهای سیاسی-اجتماعی دیگری هم دارد. مثلاً در ایام انتخابات، یکی از شعبه‌های اخذ رأی، همین حسینیه بوده است. </> ۳

ظالم را بکش

و ضعیف را بکش

و ضعیف را بکش

و ضعیف را بکش

### گفتاری از رهبر انقلاب درباره مفهوم صحیح «جهاد» در فرهنگ اسلامی

# همرزمان امام حسین (ع) را بشناسید

«انسان ۲۵۰ ساله» اصطلاحی است که رهبر انقلاب برای تاریخ زندگی سیاسی-اجتماعی معصومین پس از پیامبر (ص) مطرح فرموده و آنها را به مثابه «یک انسان» می‌داند. انسانی که محور اصلی زندگی او، مسأله‌ی «جهاد» با ظلم و انحراف، و مبارزه‌ی سیاسی حاد با حکومت‌های ظلم است؛ اگر چه صورت و قالب این جهاد و مبارزه، با توجه به مقتضیات و شرایط زمانه، تفاوت‌هایی با هم داشته است. محرم سال ۱۳۵۱ شمسی، که فضای اختناق حکومت پهلوی بیداد می‌کرد، رهبر انقلاب در هیأت «انصارالحسین (ع)» تهران حضور پیدا کرده و مباحث مفصلی در این باره مطرح کردند که سال گذشته مجموع این مباحث، در کتابی با عنوان «همرزمان حسین (ع)» توسط انتشارات انقلاب اسلامی به چاپ رسید. اطلاع‌نگاشت زیر، گزارش کوتاهی است از شب چهارم این سخنرانی، که رهبر انقلاب، درباره‌ی مفهوم صحیح «جهاد» در فرهنگ اسلامی، موضوعاتی را بیان فرمودند.

#### ○ دو منصبی که امام بر عهده دارد

فلسفه‌ی امامت و آن موجبی که دوره‌ای به نام امامت را در تاریخ اسلام ضروری کرده، دو چیز است: یکی عبارت است از تفسیر و تدوین و تطبیق و تشریح مکتب، و دیگر ادامه‌ی راه پیغمبر و منذر (ع) و هدایت کردن جامعه‌ی انسان‌ها به آن سو و سمت و جهت که پیغمبر (ص) مقرر و معین کرده بوده است. پس امام دو شغل دارد: یکی مربوط به «مکتب»، یکی مربوط به «جامعه». امام دو بال دارد که با این دو بال در افق محیط امامت پرواز می‌کند؛ یکی مربوط به فکر، یکی مربوط به عمل؛ یکی مربوط به ذهن، یکی مربوط به واقعیت؛ یکی این است که قرآن را در دست بگیرد، دیگر این است که زمام جامعه‌ی اسلامی را قبضه کند. این دو کار به‌عهده‌ی امام است.

#### ○ زندگی ائمه چگونه گذشته است؟

در اینجا می‌رسیم به نکته‌ی اساسی مطلب بحثمان. اینکه زندگی دوازده‌گانه‌ی ما (ع) چگونه گذشته است؟ وضع زندگی اینها در اجتماع زمان خود چگونه بوده؟ به‌حسب مطالعه‌ی ما که ما در زمینه‌ی زندگی این بزرگواران کرده‌ایم، ادعای ما این است که ائمه‌ی ما از آغاز تاریخ امامت - جز یک استثنا‌ی کوچکی، که بعد، این استثنا را هم عرض می‌کنم - تا روزگار شهادت امام عسکری - امام یازدهم (ع) - تقریباً در مدت این دو بیست و پنجاه سال، زندگی‌شان زندگی مبارزه و جهاد است. اینها یک عده مردم مجاهد بودند. این ادعای ما است.

#### ○ دلیل روایی و نقلی اثبات مدعا

برای خاطر اینکه خود شما در زیارت امین‌الله که از معتبرترین زیارات است، وقتی که خطاب به هریک از ائمه‌ی معصومین (ع) صحبت می‌کنید و عرض ارادت می‌کنید، از جمله این را می‌گویید که: «شهد ائک جاهد فی الله حق جهاد»؛ شهادت می‌دهم که به تحقیق و بی‌شک تو در راه خدا آن چنان که شایسته است، جهاد و مبارزه کردی.



#### ○ جهاد در فرهنگ اسلامی، مطلق کوشش نیست

اماد باره‌ی جهاد دو تفسیر غلط وجود دارد و یک تفسیر درست. آن دو معنای انحرافی که عرض کردم، یکی‌اش این است: می‌گویند جهاد برطبق لغت، یعنی کوشش؛ و جهاد در راه خدا، یعنی مطلق کوشش در راه خدا. برای اینکه این معنا را درست در خارج پیاده کنند، می‌گویند هر کاری که شما برای خدا می‌کنید، یک کوششی است و یک جهاد است. می‌گویند: «أقلاً جهادی که در اسلام هست: «و جاهدوا فی الله حق جهاد» - یعنی اینکه تلاش کنید برای کسب، علم، زندگی، برای دیدار دوستان و... هر زحمتی که بکشید، جهاد فی سبیل‌الله است. این تفسیر، تفسیر غلطی است. ما منکر نیستیم که لغت «جهاد» به‌معنای مطلق کوشش است اما اگر چنانچه جهاد در فرهنگ اسلامی به‌این‌گل و گشادی بود، لزومی نداشت که اسم خاصی روی این بگذارند در مقابل سایر اسم‌هایی که در اسلام هست. خوب، نماز هم یک جهادی است بنابراین؛ به حج رفتن و زکات دادن و همه‌ی اعمال اسلامی یک جهادی است بنابراین؛ چرا یک اسم خاصی رویش بگذارند؟ چرا بیخودی بیایند یک واژه‌ی دیگری درست کنند؟ پس جهاد، مطلق کوشش نیست.

#### ○ هم‌زمان امام حسین (ع) را بشناسید

بنده یک وقتی در جایی یک سخنرانی در این زمینه کردم؛ عنوان سخنرانی، «هم‌زمان حسین» بود. یعنی امام صادق (ع) هم‌زمان حسین (ع) است، در میدان حسین است؛ موسی‌بن‌جعفر، امام جواد، امام هشتم (علیهم‌السلام) هم‌زمان حسین‌اند، در میدان حسین و دوشادوش حسین. امام صادق دوشادوش حسین است و با همان دشمن می‌جنگد و مبارزه می‌کند؛ با همان دستی که حسین (ع) را شهید کردند، او را هم شهید کردند؛ منتها در دو میدان.

#### ○ جهاد فقط مبارزه مسلحانه هم نیست

تفسیر غلط دیگر، نقطه‌ی مقابل این است. می‌گویند جهاد در اصطلاح قرآن و حدیث یعنی جنگ با شمشیر در یک میدانی که دشمن آن طرف ایستاده‌باشد، تو این طرف ایستاده‌باشی، شمشیر را از غلاف بیرون بکشی و بزنی به دشمن، یا تیر و نیزه را او به تو بزند و تو به او بزنی. این می‌شود جهاد. این تعبیر هم درست نیست. درست است که جهاد در فقه اسلامی به این معنا استعمال شده اما در قرآن، جهاد به این معنا نیست. چرا، این، اعلی مرتبه‌ی جهاد است، نقطه‌ی عالی و اوج واژه‌ی جهاد است، اما نه اینکه همه‌ی جهاد باشد؛ نه، جهاد ممکن است شقوق و اشکال دیگری هم داشته باشد و دارد. بنابراین تفسیر دوم هم غلط است.

#### ○ معنای درست جهاد چیست؟

آنچه به نظر ما تفسیر واقعی کلمه‌ی جهاد است، این است: جهاد عبارت است از تلاش و کوشش در راه پیشبرد هدف؛ منتها آن تلاش و کوششی که با درگیری با دشمن همراه است. آن تلاشی که با درگیری با دشمن همراه نیست، اسمش جهاد نیست. یعنی اگر ما بخواهیم یک واژه‌ی کوچکی را، یک لغت بسیطی را در فارسی انتخاب کنیم که جهاد قرآن و جهاد روایت را با آن بخواهیم تطبیق کنیم و این واجب را بفهمیم، باید کلمه‌ی «مبارزه» را بگیریم. فرض بفرمایید یک نفر دانشمند محققى برود بنشیند درباره‌ی یک مسئله‌ی حقوقی خشک غیر لازم، یا حتی لازم زحمت بکشد و تحقیق کند، به کار او جهاد نمی‌گویند اما همین آدم کتاب‌نویس می‌رود درباره‌ی یک مسئله‌ای که در آن، درگیری با دشمن هست، تحقیق می‌کند؛ این می‌شود جهاد. پس اگر بخواهیم معنای جهاد را درست تشریح کنیم، باید بگوییم جهاد به‌طور مطلق یعنی درگیری و مبارزه‌ی با قدرت‌های ارتجاعی ضد‌تعالی و تکامل انسانی، هر‌چور که با اینها درگیری کردید، این در اسلام اسمش جهاد است.

از سال ۷۲ تا به امروز هم، همه‌ی مراسمات تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری، در این حسینیه برگزار شده است. گاهی اوقات هم حسینیه تبدیل شده است به یک نمایشگاه خاص. مثلاً سال ۷۸ که رهبر انقلاب از وضعیت فرهنگی ناراضی بودند، نمایشگاه کتاب را به حسینیه آوردند. یا اوایل امسال هم نمایشگاه کالای ایرانی در حسینیه برگزار شد. چندین بار هم نمایشگاه دستاوردهای علمی در حسینیه برگزار شده است و مانند آن. از سوی دیگر دیدارهایی در این حسینیه برگزار شده که از دل آن‌ها خطمشی نظام ریل‌گذاری شده است. موضوعاتی مثل نهضت تولید علم، عدالت‌خواهی، مردم‌سالاری دینی، مبارزه با فساد اقتصادی، اقتصاد مقاومتی، انقلابی‌گری و... از همین حسینیه مطرح شد و خیلی از آنها تبدیل به «گفتمان عمومی» جامعه‌شد.

خیلی از واکنش‌های بین‌المللی هم در همین حسینیه اتفاق افتاده است. از همین حسینیه بود که غربی‌ها سر ماجرای میکونوس، سیلی محکمی از ایران خوردند. رهبر انقلاب دستور دادند که سفرای کشورهای اروپایی به ایران برنگردند و در فرستادن سفرای ایرانی به اروپا هم هیچ تعجیلی صورت نگیرد. مواضع قطعی ایران درباره‌ی رخدادهایی چون یازده سپتامبر، جنگ خلیج فارس، طرح خاورمیانه‌ی بزرگ، جنگ افغانستان و عراق، پرونده‌ی هسته‌ای ایران، مذاکره با آمریکا، بیداری اسلامی، حوادث اخیر منطقه و... هم در همین حسینیه بیان شد. جدیدترین و آخرین موضع رهبر انقلاب هم شاید جواب ایشان به مهملات رئیس‌جمهور آمریکا، مبنی بر اعلام تلویحی جنگ یا مذاکره با ایران بود، که رهبر انقلاب در دیدار اقشار مختلف مردم در ماه قبل، صراحتاً جواب او را دادند: «به‌طور خلاصه دو کلمه به ملت ایران بگویم: جنگ نخواهد شد و مذاکره نخواهیم کرد.» برای همین هم هست که حسینیه‌ی امام خمینی (ع) چیزی فراتر از حسینیه‌های مرسوم است.

**حسینیه امام خمینی (ع) امتداد حسینیه جماران**  
حسینیه در عصر انقلاب اسلامی، صرفاً محلی برای اقامه عزان نیست و حالا تبدیل شده است به مرکز عقلائیت و رشد و بلوغ جامعه. سال‌ها پیش رهبر انقلاب درباره‌ی حسینیه‌ی جماران چنین گفته بودند: «حسینیه‌ی جماران، نقطه‌ای است که همواره سازنده‌ی تاریخ انقلاب ما در طول ده سال اخیر بوده است. در این نقطه و در زیر همین جایگاه مقدس و متبرک بوده که ما توانسته‌ایم در طول این ده سال، تجربه‌های دشوار را از سر بگذرانیم و مقاطع حساس را در زندگی انقلابی خود شروع کنیم و درس‌های سازنده را از امام و معلم و مرادمان بگیریم. خلاصه اینکه ملت ایران، در این نقطه حرکت‌ها را آغاز کرده، در مشکلات به این نقطه پناه آورده و از این نقطه، مقاطع حساس را آغاز کرده است.» ۶۸/۵/۱۳ و ۶۸/۵/۱۳ حسینیه‌ی امام خمینی (ع) امتداد حسینیه‌ی جماران است. باری، از جماران تا فلسطین جنوبی، یک خط مستقیم است: "خط انقلاب" ●



### شعریات، در خدمت مفاهیم سیاسی روز

ایام انقلاب - در همان ایام محرم - بادم است نواری برای من آوردند از سینه‌زنی در جهرم - ما مشهد بودیم - به قدری این مؤثر آید؛ اولاً زیبا بود از لحاظ خود شعر و لفظ و معنای شعر؛ ثانیاً از لحاظ آهنگ؛ ثالثاً مهیج، محرک، راهنما؛ خیلی ارزش داشت. بعد از آن، از یزد آنواری آوردند، که از این دو شهر من یادم است، جایی دیگری من ندیدم؛ خب مفاهیم سیاسی آن روز را که در مبارزه مطرح بود، در قالب نوحه منتقل کرده بودند. ما شبیه این را در دوره‌ی دفاع مقدس داشتیم؛ این نوحه‌هایی که آقای آهنگران خواند - و آن شاعر محترمی که خدا رحمتش کند، آقای معلمی، که در اهواز برای ایشان شعر می‌گفت - آنها هم همین جور، اینها هم شعرهایی و نوحه‌هایی بود که آموزش دهنده بود. ما باید این کار را جدی دنبال بکنیم. ● ۹۵/۳/۲۱



### بی بصیرت هادر جبهه باطل قرار می‌گیرند؛ بدون این که خود بدانند

عاشورا پیام‌ها و درس‌هایی دارد. عاشورا درس می‌دهد که برای حفظ دین، باید فداکاری کرد. درس می‌دهد که در راه قرآن، از همه چیز باید گذشت. درس می‌دهد که در میدان نبرد حق و باطل، کوچک و بزرگ، زن و مرد، پیر و جوان، شریف و ضعیف و امام و رعیت، با هم در یک صف قرار می‌گیرند. درس می‌دهد که جبهه‌ی دشمن با همه‌ی توانایی‌های ظاهری، بسیار آسیب‌پذیر است - همچنان که جبهه‌ی بنی‌امیه، به‌وسیله‌ی کاروان اسیران عاشورا، در کوفه آسیب دید، در مدینه آسیب دید، و بالأخره هم این ماجرا، به‌فنا‌ی جبهه‌ی سفیانی منتهی شد - درس می‌دهد که در ماجرای دفاع از دین، از همه چیز بیشتر، برای انسان، بصیرت لازم است. بی‌بصیرت‌ها فریب می‌خورند. بی‌بصیرت‌ها در جبهه‌ی باطل قرار می‌گیرند؛ بدون این که خود بدانند. همچنان که در جبهه‌ی ابن‌زیاد، کسانی بودند که از فساق و فجار نبودند، ولی از بی‌بصیرت‌ها بودند. ● ۷۱/۴/۲۲

